



با سلام و درود بر شما و آرزوی توفیق عمل به قرآن و احکام اسلامی ، امید است که این هدیه ناقابل بتواند در راستای یادگیری و یاد دهی کمکی برای شما باشد. لطفا قبل از استفاده حتما فونتها را از وبلاگ دریافت و نصب نمایید در ضمن از آفیس ۲۰۱۰ یا ۲۰۱۳ به بالا استفاده نمایید تا از بهم ریختگی فونت در پاورپوینت جلوگیری شود و هم افکتها و صوتها خوب به نمایش در آید .

با تشکر . گیتی نورد.

 **Dawargiti2.mihanblog.com**



درس سوم

تلخ

با

شیرین





پادشاہِ زیرک





بر روی تخت گران قیمت
قصر نشسته بود
و به حوادث عجیب امروز
فکر می کرد ...





مخفیانه لباس مردم عادی شهر را پوشید و از قصر بیرون رفت ...



ناکھان گرمی دستی را روی شانہ هایش احساسی کرد ...



سالهای سال است که مردم این شهر طبق یک رسم قدیمی ، در روز
معینی کنار دروازه ی شهر جمع می شوند و ...



پادشاه قبلی را بر کشتی سوار می کنند و
به جزیره ای می برند و در آنجا می گذارند...





اگر شما بخواهید من نشانی آن جزیره را به شما خواهم داد...





آن شب تا نزدیک صبح در قصر قدم می زد و فکر می کرد ...





آسایش یک ساله در قصر و رنج همیشگی ...

یک سال زحمت و در عوض راحتی همیشگی ...





اما بالاخره نزدیک صبح بود که تصمیم خودش را گرفت ...



چه تصمیمی؟

رسیدگی به کارهای مردم و تلاش برای حل مشکلات آنان ...

استفاده از راهنمایی پیر مرد دانا ...

توضیح برنامه هایش برای چند دوست قابل اعتماد و ...

تبدیل هدایای مردم به مصالح ساختمانی و نهال درختان و گله های گوسفند ...

هیچ چیز از اموالش را در قصر نگه نمی داشت ...

فرستادن کشاورزان و کارگران و خدمتکاران مورد اعتماد به جزیره ...





هر چند روز یک بار ، بدون این که کسی خبر شود
یک کشتی از ساحل شهر به جزیره می رفت و ...





همه چیز طبق برنامه پیش می رفت ، تا اینکه یک شب ...



نگهبانان قصر دست و پای سلطان را بسته بودند و می خواستند او را با خود ببرند ...



من آماده نیستم ، کمی فرصت بدهید ...

لا اقل بگذارید وسائل شخصی ام را بردارم ...



وقتی او را از قصر بیرون بردند در میان جمعیت ...
چشمش به پیر مرد دلسوز افتاد که با رضایت به او نگاه می کرد



همین که کشتی به جزیره رسید ، مأموران سلطان را
در نزدیکی ساحل به آب انداختند و بازگشتند ...



عده‌ی زیادی در جزیره منتظر ورود دوست عزیزشان (پادشاه) بودند...



قصر زیبا و مجلّش را که در میان باغی بود برای آمدنش آراسته بودند...

سال ها بعد ، مردم آن شهر بزرگ از دریانوردان می شنیدند که در وسط
دریا شهری زیبا و بی نظیر هست که ...



در این رابطه جاهای خالی را پر کنید :

- (الف) زیرک که برای اولین بار به آن شهر آمده بود به راهنما نیاز داشت .
ما نیز چون یکبار به دنیا می آییم به راهنمایی پیامبران و ... نیاز مندیم .
- (ب) او می توانست تمام وقتش را به استراحت در قصر پردازد .
ما هم می توانیم تمام عمر خود را به خوشگذرانی در دنیا پردازیم .
- (ج) زمان پادشاهیش خیلی زود سپری شد .
ما هم عمر کوتاهی داریم .
- (د) اصلا گمان نمی کرد که نگهبانان ناگهان ، نیمه شب به سراغش بیایند .
ما هم در وقتی که فکرش را هم نمی کنیم ممکن است با مرگ روبرو شویم .
- (ه) نگهبانان هنگام رفتن اجازه ی هیچ کاری را به او ندادند .
مرگ هم به ما مهلت نمی دهد حتی چشمهایمان را ببندیم .
- (و) او در آن جزیره ی زیبا در جایی زندگی می کرد که خودش ساخته بود .
ما هم با فرستادن اعمال صالح به جهان آخرت می توانیم آن را آباد کنیم .
- (ز) اگر زیرک وارد این شهر نمی شد ، هرگز نمی توانست روزی پادشاه جزیره ی زیبا شود .
ما هم اگر متولد نشده بودیم نمی توانستیم به مقام های والای بهشتی دست یابیم .



الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٣٢﴾



همانها که فرشتگان (قبض ارواح) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند به آنها می گویند سلام بر شما باد، وارد بهشت شوید بخاطر اعمالی که انجام می دادید. (۳۲)

سوره نحل آیه ۳۲



وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ﴿٥٠﴾



و اگر ببینی کافران را به هنگامی که فرشتگان (مرگ) جان آنها را می‌گیرند و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند) بچشید عذاب سوزنده را (به حال آنها تاسف خواهی خورد). (۵۰)

سوره انفال آیه ۵۰

بهشت نتیجه
چیست؟

بهشت نتیجه ی ایمان به خدا و پیامبران ،
ایمان به جهان آخرت ، و انجام اعمال نیک



جهنم نتیجه
چیست؟

جهنم نتیجه ی خوشگذرانی و ناسپاسی نعمات
الهی و انجام گناهان و دنیا پرستی





به پایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقیست.
موفق و مؤید باشید